

## بسمه تعالی

قسمت (۱)

(( برخی از دانستنی های دستور زبان فارسی کلاس چهارم دبستان ))

(( کلمه ))

**توجه:** کلمه تقسیم بندی های مختلفی دارد که فقط به تقسیم بندی آن در کلاس چهارم ابتدایی می پردازیم.

۱) کلمات یک قسمتی : که از یک قسمت دارای معنای مستقل تشکیل می شود. مثل پدر، کتاب و...

۲) کلمات مرکب : که از دو یا چند قسمت تشکیل می شود و انواع مختلف دارد. مثل روزنامه، کارگر و...

**کلمات هم آوا:** به کلماتی گفته می شود که مثل هم خوانده می شوند و مثل هم نوشته نمی شوند. مثل خوان و خان و خواست و

خاست و... که در نوشتن آن ها باید به معنایشان در جمله و عبارت و... توجه کرد.

(( جمله ))

**جمله:** از یک یا چند کلمه تشکیل می شود و پیام کاملی را به شنونده می رساند. انسان مطالب ذهن خود را با جمله منتقل می کنند. جمله

انواع مختلفی دارد که پرسشی (سوالی)، خبری، عاطفی (تعجبی)، امری ارسال های قبل خوانده آید. جملات در زبان فارسی حداقل دو

جزئی و حداکثر چهار جزئی هستند و ساختار های مختلفی دارند و در همه ی آن فعل اصلی ترین جزء جمله است. نقش های نهاد (فاعل

و مسند الیه)، مسند، متمم فعلی، مفعول و فعل اجزای اصلی جمله هستند. در پایین چند نوع ساختار ساده ی جملات فارسی ذکر می شود.

۱) فاعل + فعل (۴) نهاد (مسند الیه) + فعل (ربطی یا اسنادی)

۲) فاعل + مفعول + فعل (۵) نهاد (مسند الیه) + مسند + فعل (ربطی یا اسنادی)

۳) فاعل + مفعول + متمم + فعل (۶) نهاد (مسند الیه) + مفعول + مسند + فعل (ربطی یا اسنادی)

**توجه:** فعل ربطی یا فعل اسنادی فعلی است که نشان دهنده رابطه میان نهاد و گزاره است. افعالی مانند (بود، شد، است، گردید باشد

گشت، شود، هست و نیست و...)

### ((نقش کلمات در جملات))

**نهاد :** یک کلمه یا گروهی از کلمات در جمله می باشد که درباره ی آن خبر می دهیم یا صفت و حالتی را به آن منسوب می دهیم. نهاد ممکن است فاعل یا مسندالیه باشد.

**گزاره :** قسمتی از جمله است که درباره نهاد خبر می دهد.

مثال : علی از مدرسه آمد.

**فاعل :** کننده ی کار است.

**مسندالیه :** نهادی است که به آن صفت و حالتی را منسوب می کنیم اما کار انجام نمی دهد.

**مفعول :** کسی یا چیزی است که کار بر روی آن انجام شده است.

**مُسند :** کلمه ای است که قبل از فعل ربطی یا اسنادی قرار می گیرد.

**متمم :** کلمه ای است که بعد از حروف اضافه می آید.

**فعل :** کلمه ای است که حالت و چگونگی انجام شدن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می دهد.

### ((حروفات))

حرف ها در زبان فارسی سه دسته اند: «حرف ربط»، «حرف اضافه» و «حرف نشانه».

**حرف اضافه :** حرف اضافه کلمه ای است که معمولاً کلمه یا گروهی از آن ها را به «فعل» یا «صفت برتر»، یا «اسم جمع» و یا نظایر این ها

نسبت می دهد و آن ها را متمم یا وابسته ی فعل، صفت برتر یا اسم جمع و مانند این ها قرار می دهد. حروف اضافه نیز دو دسته اند:

**الف : حروف اضافه ی ساده :** شامل از، الا، الی، اندر، با، بدون، بر، برای، به، بی، تا، جز، چون، در، ضد، علیه، غیر، مانند، مثل، مگر و...

**ب : حروف اضافه ی مرکب :** به غیر از، به مجرد، به محض، به وسیله ی، به واسطه ی، در برابر، در قبال، شامل غیر از، در میان، از جمله و...

**حرف ربط یا پیوند :** حرف ربط کلمه ای است که دو سازه را به هم پیوند (ربط) می دهد. حروف ربط دو دسته اند :

**الف: حروف ربط ساده:** شامل اگر، اما، باری، پس، تا، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نیز، و، ولی، هم، یا .  
**ب: حروف ربط مرکب:** شامل آن جاکه، آن گاه که، از آن جا که، از آن که، از این روی، از بس که، بس که، از بهر آن که، اکنون که، چنان چه، اگرچه، الا این که، باین حال، باوجوداین، به شرط آن که، چنان که و ....

**توجه:** وقتی حرف (و) بین دو یا چند کلمه و جمله قرار بگیرد و بین آن ها رابطه برقرار کند حرف ربط و همپایگی است ولی اگر بین دو یا چند کلمه قرار بگیرد که دارای نقش های یکسان در جمله اند برای مثال همه ی آن ها فاعل و... باشند حرف عطف است.

**حرف نشانه:** حرفی است که برای تعیین مقام و نقش کلمه در جمله می آید و نقش آن را مشخص می کند. برای مثال «را» در جمله ی

نشانه ی مفعولی: را

(( اسم، صفت، موصوف، مضاف، مضاف الیه ))

**اسم:** کلمه ای است که با آن انسان و حیوان و اشیاء را می نامیم.

**صفت:** کلمه ای است که همراه اسم می آید و حالت و چگونگی اسم را بیان می کند.

**موصوف:** کلمه ای است که انسان و حیوان و اشیاء را با آن می نامند و صفت آن را شرح می دهد.

**مضاف:** به کلمه ی قبل از مضاف الیه؛ مضاف می گویند.

**مضاف الیه:** به اسمی که دنبال اسم دیگری آید و در باره ی آن توضیح داده یا معنایش را کامل می کند مضاف الیه می گویند.

(( تفاوت های مضاف و مضاف الیه با موصوف و صفت ))

برای تشخیص تفاوت آن ها شش راه وجود دارد که ما برای شما سه راه آن را ذکر می کنیم.

1) در بین موصوف و صفت می توانیم حرف ی بیاوریم ولی در بین مضاف و مضاف الیه نمی توانیم ی بیاوریم.

مانند: پسر زیبا که می توان گفت: پسری زیبا      کفش محمد؛ در اینجا نمی توان گفت کفشی محمد.

(صفت و موصوف)

(مضاف و مضاف الیه)

۲) همچنین اگر به صفت، تر اضافه کنیم کلمه ی جدید معنی دار خواهد بود. درحالی که اگر تر به مضاف الیه بیوندد ، معنی نخواهد داشت مانند در کلاس تر که معنی نمی دهد.

مانند : کوه بلند که اگر به آن تر اضافه کنیم میشود کوه بلند تر که معنی می دهد.

۳) گر کسره صفت و موصوف را برداریم و فعل است را به آن اضافه کنیم جمله ای معنی دار ساخته می شود. اما مضاف و مضاف الیه چنین نیست.

مادرِ مهربان (صفت وموصوف) که می شود مادر مهربان است.

کیفِ سارا (مضاف ومضاف الیه) که می شود کیف سارا است.

### ((ندا ومنادا))

**حرف ندا:** حرفی است که برای صدا زدن و خواندن کسی یا چیزی به کار می رود. مثل (ای، یا، هان، های، الا، آیا، آهای و...)

**منادا:** به اسمی که مورد ندا قرار می گیرد منادا می گویند و معمولاً بعد از حرف ندای می آید.

**شبه جمله:** کلماتی هستند که برای بیان حالات روحی و درونی چون شادی، تعجب، درد، افسوس و مانند آن ها از کلماتی همچون به

وه، آه، آو و جزء آن ها استفاده می شوند و مانند جمله دارای نهاد و گزاره نیستند و یک جمله محسوب می شوند. اقسام شبه جمله:

شبه جمله امید و آرزو و دعا : کاش، ای کاش، الهی، ان شاء الله

شبه جمله تحسین و تشویق : خوب، آفرین، مرحبا، به به، بارک الله

شبه جمله درد و تاسف : آه، واویلا، وای، دریغ، فریاد

شبه جمله تعجب : به، وه، اوه، عجب، شگفتا

شبه جمله تنبیه و تحذیر : امان، مبادا، زنهار

شبه جمله امر، یا الله، بسم الله، خاموش، خفه

شبه جمله احترام و قبول: چشم، قربان، ای به چشم

### ((کلمات هم خانواده))

به کلمه هایی می گویند که از یک ریشه گرفته شده باشند و حرف های اصلی آن کلمه در کلمه های هم خانواده اش پشت سرهم بیاید

مانند : رابطه - مربوط - ارتباط      عجله - عجلول - تعجیل

نکته : کلمه های هم خانواده از نظر معنا و مفهوم به هم نزدیک هستند و در بیشتر مواقع حداقل سه حرف مشترک دارند.

نکته : در فارسی کلمه هایی که از یک ریشه فعل گرفته شده باشند نیز با هم ، هم خانواده اند.

مانند : دانش ، دانا ، دانشمند ، نکته دان ، دانش آموز

### ((کلمات مترادف یا هم معنی))

به کلماتی گفته می شود که معنا و مفهوم یکسانی دارند و می توان ان ها را به جای یکدیگر استفاده نمود. مثل : پیمودن : رفتن

### ((کلمات متضاد و مخالف))

به کلماتی گفته می شود که از نظر معنی و مفهوم مخالف و ضدهم هم باشند. مثل سرد: گرم

(( در قسمت بعدی به مباحث قید مکان وزمان، ضمایر شخصی و مصرع و بیت و قافیه و ردیف و روی در شعر و کنایه و علایم نگارشی پر کاربرد خواهیم پرداخت.))

((با آرزوی موفقیت برای شما))